

# برلنی‌ها، تقدیر چندگانه‌ی روشنفکران ایرانی



○ سید محسن متقی  
مدرس انستیتو مداخله اجتماعی پاریس

○ برلنی‌ها؛ اندیشمندان ایرانی در برلن  
۱۹۱۵-۱۹۳۰  
○ جمشید بهنام  
○ فرزان روز  
○ ۱۳۸۰، ۲۲۰۰ نسخه

محمدعلی جمالزاده از شهر دیژون راهی برلن شدند. در کنار اینها غنی‌زاده، اسماعیل یکانی و میرزاآقا نیز که در استانبول به کسب و کار مشغول بودند دکان‌ها را بسته و همراه اسماعیل نوبری و اسماعیل امیر خیزی راهی برلن شدند تا در کنار جمع بالا و عزت الله هدایت و رضا افشار کمیته ملیون را تشکیل دهند.

البته قضیه‌ی شکل‌گیری این کمیته به این سادگی نیست و برپایی هر گروه و دسته‌ای نیازمند توانایی‌های مادی و امکانات لازم است که به نظر می‌رسد دولت آلمان در این مورد گشاده‌دستی از خود نشان داده است. در زمانی که تقی‌زاده در نیویورک زندگی می‌کرده است نامه‌ای از کنسول آلمان در نیویورک دریافت می‌کند و پیشنهاد آلمان را در انجام فعالیت بر ضد روس و انگلیس می‌پذیرد و پس از استقرار در آلمان در پناه امکانات مادی آنان خانه‌ای در محله شارلوتنبرگ برلن تهیه کرده و به همراه دوستان ایرانی به فعالیت می‌پردازد. نویسندگان در این بخش از کتاب خود نشان می‌دهند

شکل‌گیری این جریان و تأثیرپذیری آنان از دنیای فکری جهان عرب و ترک به برجسته کردن چند گفتمان در میان این دسته از ایرانیان پرداخته و تلاش‌های آنان را در اندیشیدن و بازاندیشی درباره‌ی بعضی از مفاهیم مهم فلسفه سیاسی و جامعه‌شناسی نشان داده و بر پویایی این دسته از جماعت ایرانی انگشت نهاده است.

## کارنامه‌ی برلنی‌ها

در زمستان سال ۱۲۹۳ (۱۹۱۵) تقی‌زاده که مقیم برلن بود در نامه‌ای به ایرانیان مقیم اروپا از آنان خواست تا گرد هم آمده و با تشکیل کمیته‌ای از ملیون به مبارزه برعلیه روس و انگلیس که خاک ایران را تصرف کرده بودند، برآیند. مدتی بعد عده‌ای از فرهیختگان ایرانی به نمای او لیبیک گفته و با رها کردن کار و زندگی خود به آلمان آمدند تا یار و یاور تقی‌زاده در به راه انداختن چنین کمیته‌ای باشند. کاظم‌زاده ایرانشهر از انگلیس، محمد قزوینی و ابراهیم پورداود و اشرف‌زاده از پاریس، نصرالله خان جهانگیر و سعدالله خان درویش و مرتضی راوندی از سویس،

«میان سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۳۰ جمعی از اندیشمندان و آزادی‌خواهان ایرانی در شهر برلن زیستند و از طریق انتشار چند مجله و روزنامه، اندیشه‌ها و موضوعاتی را مطرح کردند که از نظر سیر تاریخ اندیشه معاصر ایران دارای اهمیت بسیار است.» جمشید بهنام جامعه‌شناس ایرانی مقیم پاریس با تامل در تاریخ ایران قرن بیست و اندیشیدن به موضوعات مشاخره‌آمیزی چون تجدد و سنت، دین و دولت‌ایرانیت و اسلامیت کوشش کرده است تا نظرات روشنفکران ایرانی گرد آمده در برلن را در باره چنین موضوعاتی بکاود و حاصل پژوهش‌های خود را به صورت کتابی زیرعنوان برلنی‌ها؛ اندیشمندان ایرانی در برلن ۱۹۱۵-۱۹۳۰ در ۲۰۰ صفحه منتشر کرده است.

کتاب در شش گفتار و دو بخش نگارش یافته است. در بخش اول که در برگزیده‌ی چهار گفتار است نویسنده به کارنامه گروه برلنی‌ها از شکل‌گیری‌شان تا برگشت به ایران پرداخته است. در بخش دوم پس از بررسی کوتاه زمینه‌های فکری

که افراد کمیته‌ی ملیون از اقشار و طبقات مختلف جامعه‌ی ایران آن روز بودند و در میان آنان به سه گروه اشاره می‌کند.

گروه نخست کسانی بودند که به دنبال استبداد بعد از مشروطیت از ایران گریختند که از میان آنان می‌توان از یاران قدیم تقی‌زاده که در تبریز و هم‌مسلك او در حزب دمکرات بودند نام برد.

گروه دوم ایرانیانی بودند که در کشورهای غربی به کار تحقیق مشغول بودند. کاظم‌زاده متولد تبریز پس از آموزش زبان فرانسه در سال ۱۲۸۲ (۱۹۰۴) به اسلامبول رفت و پس از سفر به اروپا در کمبریج همکار براون شد و بعداً به دعوت تقی‌زاده به برلن رفت. محمد قزوینی در تهران تولد یافت و در ۲۶ سالگی به لندن رفت و در آن شهر و بعداً در پاریس به

۱۲۹۸ (۱۹۲۰) با همکاری بعضی از دوستان دوره جدید کاوه را بیرون داد که تا سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۱) انتشار یافت. در سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۲) عده‌ای از دانشجویان ایرانی جمعیت امید ایران را بنا نهادند و ماهنامه «نامه فرنگستان» را منتشر کردند.

مؤلف به دلیل سابقه‌ی تحقیقات در حوزه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در این بخش به بررسی اختلاف میان ریشه‌های اجتماعی و خاستگاه نسل اول و دوم برلنی‌ها می‌پردازد. به نظر او نسل دوم برلنی‌ها بیشتر فرزندان دیوانیان زمان قاجار بودند که برای تحصیل به اروپا آمده بودند و هزینه‌ی تحصیلاتشان از طرف خانواده آنها تامین می‌شد. در حالی که پدران نسل اول روحانی، تاجر یا از روحانیون مرتبط با بازار بودند.

اسدی و مرتضی علوی روابط دوستی برقرار کرد و با همکاری آنان زمینه را برای بنیانگذاری فرقه جمهوری انقلابی ایران در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۵) آماده ساخت. این فرقه روزنامه‌ای به نام «بیرق انقلاب» را به صورت پلی‌کیبی انتشار داد و در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۷) مانیفستی تحت عنوان بیان حق منتشر کرد.

در سال ۱۳۰۸ (۱۹۳۰) روزنامه‌ای به نام پیکار به مدیریت رسمی ونر و گرداندگی مرتضی علوی انتشار می‌یابد. این روزنامه سخت به اقدامات رضاشاه تاخته و شماره‌های آن محرمانه به ایران نیز می‌رسید. اعتراض حکومت ایران باعث اخراج اسدی از آلمان و تبعید علوی شد. در گفتار سوم بهنام می‌کوشد تا به طرح و بررسی

کار تحقیق مشغول شد. جمال‌زاده نیز در سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۸) برای تحصیل به بیروت رفت و سپس در سوئیس و فرانسه درس حقوق خواند. پورداود نیز برای تحصیل نخست به بیروت و سپس به پاریس آمد.

گروه سوم ایرانیانی بودند که از قدیم در برلن زندگی می‌کردند که معروف‌ترین آنان ابوالحسن علوی و عزت‌الله هدایت بودند. فضلعلی تبریزی و حسینقلی نواب نیز همکاری‌هایی با برلنی‌ها داشتند. در کنار اینان افراد دیگری نیز با برلنی‌ها همکاری کردند که مهم‌ترین‌شان حیدرخان عمو اوغلی و امین رسول‌زاده می‌باشند.

نویسنده در گفتار دوم به وضعیت روشنفکران ایرانی در آلمان پرداخته و ساده‌اندیشی آنان را در شناخت وضعیت سیاسی آن دوران برجسته کرده است. پایان یافتن امپراطوری و آغاز جمهوری و بیمار باعث شد تا این جماعت ایرانی هرکدام به طریقی به فعالیت تازه‌ای روآورند. کاظم‌زاده مجله ایران‌شهر را بنا نهاد، قزوینی به پاریس بازگشت و محمدعلی تربیت نیز به تبریز رفت. تقی‌زاده و جمال‌زاده در آغاز

در قسمت دیگری از کتاب نویسنده به کشمکش‌های نظری این دسته از ایرانیان پرداخته و نشان می‌دهد که نسل اول متأثر از دوران مشروطه و شکست آن به نوعی سوسیال دموکراسی روی آوردند. تقی‌زاده و دوستانش مقالاتی درباره‌ی انقلاب اکتبر و برخی از نظریات مارکس منتشر کردند ولی به دلیل پایبندی به نوعی ناسیونالیسم چاره‌کار را نه در استقرار نظامی سوسیالیستی بلکه نوعی استبداد منور دانستند و حتی مدعی شدند که نوعی رجعت محسوس به سوی معنویت و روحانیت دیده می‌شود (ص ۶۲).

در میان روشنفکران این دوره ما با چپگرایان مواجه هستیم که برجسته‌ترین آنها تقی ارانی است. بهنام زندگی ارانی را به دو دوره تقسیم می‌کند. دوره‌ی اول او را ناسیونالیست افراطی قلمداد می‌کند که در کنار تحصیل در رشته شیمی به نوشتن مقالات در نامه فرنگستان و ایران‌شهر مشغول است. دوره‌ی دوم زندگی‌اش در آلمان باعث آشنایی او با افکار و عقاید سوسیالیستی و کمونیستی گردید و با دو تن از دانشجویان فعال سیاسی دانشگاه برلن یعنی احمد

مجلات و روزنامه‌های ایرانیان برلنی در این سال‌ها پیرداود. به نظر او چهار مجله که چون حلقه‌های یک زنجیر یکی پس از دیگری انتشار یافتند نشان‌دهنده‌ی مشغله‌ی ذهنی مشترک روشنفکران ایرانی این دوره است.

مجله‌ی کاوه. دوره‌ی دوم این مجله از ژانویه ۱۲۹۸ (۱۹۲۰) و تا ماه مارس ۱۳۰۰ (۱۹۲۲) انتشار یافت. مجله‌ی کاوه در شماره‌های مختلف خود به نقد اوضاع آن دوران پرداخت و درباره‌ی مسائلی چون قدرت، زبان، ملیت طرح‌های تازه‌ای ارائه داد و به برخی از مستشرقان فرصتی داد تا به طرح نظریات خود بپردازند. کاوه‌ای‌ها گمان می‌کردند که ریشه‌ی خرابی‌ها در دوره قاجار است و سکوت و سکون ایران در مسیر تاریخ در دورانی که ناپلئون دنیا را به لرزه انداخته و دولتی چون ژاپن در خاور دور پدیدار شده دولت ایران مشغول خواب ناز و لقب‌فروشی و خوشگذرانی است.

موضوع دیگر دفاع از آزادی عقیده و مذهب در نوشته‌های آنان است که با نگرش خاصی به دفاع از آن پرداخته و در برابر تهمت‌های بیشمار باز هم

می‌نوشتند. (ص ۸۷)

مجله‌ی ایرانشهر. نخستین شماره‌ی آن به مدیریت کاظم‌زاده در ژوئن ۱۳۰۱ (۱۹۲۲)، چند ماه بعد از تعطیلی کاوه، در برلن منتشر شد و در ۴۸ شماره تا سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۷) انتشار یافت. در ۲۳۶ مقاله‌ی این روزنامه ۷۳ مقاله مربوط به اهمیت آموزش عمومی است، ۴۵ مقاله درباره وضع زنان، ۳۰ مقاله درباره ایران باستان و ۴۰ مقاله در زمینه‌های گوناگون فلسفی است. مقالاتی نیز به اندیشه‌های متفکران اروپایی اختصاص یافته است. تمایل کلی این مجله علاقه به ایران باستان و زبان و فرهنگ و تمدن ایرانی و اعتقاد به روح ملی است. نامه‌ی فرنگستان. به کوشش دانشجویان گرد آمده در جمعیت امید ایران. نامه‌ی فرنگستان از ماه

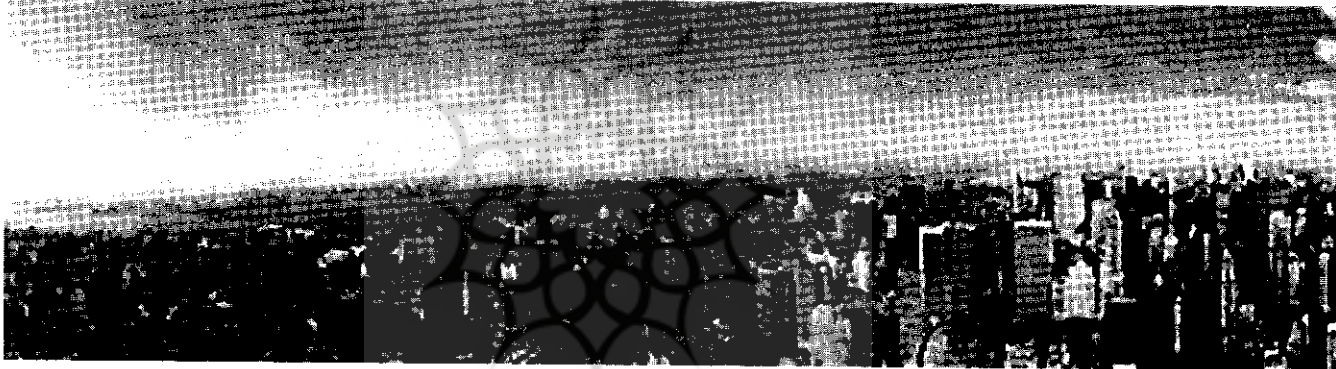
تازه‌ای را شروع و دست به دامن روحانیان و روشنفکران شد. عده‌ای از جوانان نیز چون اراده پیشرفت و تجدید حیات مملکت را در رضاشاه دیدند به او نزدیک شدند هرچند که بعداً برخی از آنان راه مخالفت با او را پیش گرفتند.

در سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۱) علی‌اکبر سیاسی، علیقلی خان (مهندس‌اللوله) حسن خان (شقایق) اسماعیل مرآت، جواد عامری و حسن شریف نفیسی نخست انجمنی به نام «سروش دانش» و سپس «انجمن ایران جوان» تأسیس کردند. در نوشته‌های «ایران جوان» حملات سختی به استبداد و نظریه‌ی مستبد منور شده است. در اواخر اسفند ۱۳۰۵ (۱۹۲۷) نخستین شماره نشریه ایران جوان منتشر شد و پس از یک سال با خارج شدن انجمن ایران جوان از صحنه‌ی

با همکاری بزرگ علوی و ایرج اسکندری در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۳) انتشار داد و تا سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۵) ادامه یافت. ارانی در سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۷) به همراه ۵۳ نفر دستگیر و در زندان جان سپرد.

#### سرانجام برلنی‌ها

رضا شاه در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۶) به سلطنت رسید و وحدت ملی و تجددگرایی را محور فعالیت خود قرار داد. سرکوب ایلات و استقلال‌طلبان محلی و ادغام حکومت‌های محلی مرکز گریز در دیوانسالاری جدید نخستین حرکت او بود. تجددگرایی از طریق توسعه‌ی آمرانه نیز هدف دیگر دولت نوپیدا ایران آن دوره بود. جز کاظم‌زاده و جمال‌زاده که تا پایان عمر در



سیاست این نشریه نیز تعطیل شد. در ایران دوران روزنامه مرد آزاد به مدیریت علی‌اکبر داور عضو سابق اتحادیه دانشجویان ایرانی در لوزان منتشر شد. او پس از کودتا به ایران بازگشت و نخست در اداره‌ی معارف مشغول به کار شد. سپس وارد مجلس چهارم شد و حزب رادیکال را تأسیس و روزنامه‌ی مرد آزاد را انتشار داد. او به همراه تیمورتاش و تدین از مدافعان سردار سپه شدند و به دفاع از ناسیونالیسم و تأسیس یک دولت تجددگرا و متمرکز پرداختند. محمود افشار در تیرماه ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) مجله‌ی آینده را در تهران تأسیس می‌کند.

مجله‌ی علم و هنر. نخستین شماره آن در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۷) در برلن و لایپزیک منتشر شد. نویسنده‌ی اصلی آن جمال‌زاده است و افرادی چون ابوالقاسم وثوق، احمد فرهاد، علی اردلان، تقی ارانی، کاظم‌زاده، عباس اقبال و محمد قزوینی نیز در آن مقاله می‌نوشتند.

در گفتار چهارم نویسنده به بازگشت عده‌ای از روشنفکران به ایران و انجام فعالیت آنان در ایران می‌پردازد و در این مورد به حضور چند نشریه و روزنامه و پا گرفتن انجمن‌های این دوره اشاره‌ای گذرا می‌کند.

رضا خان سردار سپه همین که از فکر جمهوری منصرف شد در اندیشه‌ی رسیدن به سلطنت فعالیت

اروپا ماندند بقیه‌ی برلنی‌ها به امید تحول ایران و کمک به تحولات داخل به کشور بازگشتند و در نهادهای مختلف سیاسی و فرهنگی به خدمت مشغول شدند. تربیت، پورداود، رضازاده شفق و احمد فرهاد وارد دانشگاه شدند.

سرنوشت برلنی‌ها نمونه‌هایی از سرنوشت روشنفکران ایرانی در صد سال اخیر است. از آن میان بعضی‌ها به قدرت نزدیک می‌شوند. برخی علیه نظام موجود قیام می‌کنند و گاه در این راه جان خود را فنا می‌کنند و بالاخره تعدادی دیگر به گوشه‌ای می‌خزند و به معنویات می‌گیرانند.

#### اندیشه‌ها

بخش دوم کتاب اندیشه‌ها نام دارد و شامل دو گفتار است. در گفتار نخست به‌نجام به زمینه‌های فکری جریان برلنی‌ها پرداخته و تأثیرپذیری آنان را از جریانات فکری جهان عرب و ترک برجسته کرده است. روشنفکران جهان عرب در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیست با آگاهی از عقب‌ماندگی کشورهای خود به اندیشیدن درباره‌ی علل چنین عقب‌ماندگی پرداختند و نظریات خاصی را سامان

دادند که در میان ایرانیان نیز خوانندگانی یافت. طهطاوی در سفرنامه‌ای به توصیف زندگی غربیان همت گماشت. کواکبی در رساله‌ی ام‌القری از دردهای جوامع اسلامی سخن گفت. قاسم امین خواستار آزادی زنان شد و کتاب تحریرالمراآت را انتشار داد. عیده نیز به انتقاد از جامعه‌ی مصر پرداخت و اصلاح نظام آموزشی را در صدر فعالیت خود قرار داد. رشید رضا نیز که مدافع افکار عیده بود مجله‌ی المنار را منتشر کرد و در بسیاری از حوزه‌های علمیه پخش گردید.

در کنار این مباحث روشنفکران ایرانی گوشه‌چشمی هم به تغییر و تحولات کشور ترکیه داشتند که در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم اصلاحاتی زیر عنوان تنظیمات از آنجا شروع شد و هدف آن ایجاد سلطنت مشروطه بود و حاصل اقدامشان اعلام قانون اساسی ۱۲۵۴ (۱۸۷۶) که پا نگرفت. ترک‌های جوان به قصد بازگرداندن مشروطیت فعالیت کردند ولی به دلیل سخت‌گیری‌های دولت عثمانی از ترکیه راهی اروپا شدند. در اروپا ترکان با روشنفکران ایرانی نزدیک شده و حتی در پاریس به ریاست احمد رضا بیگ انجمن اخوت اسلامی را تشکیل دادند که افرادی چون دهخدا و قزوینی عضو آن بودند در نزد ترکان نیز مهم‌ترین مسائل مورد بحث ملیت، هویت و دین بود.

در گفتار آخر نویسنده می‌کوشد تا به طرح نظریات برلنی‌ها درباره مقولاتی چون تاریخ، تمدن، ترقی، ملیت، ساختار قدرت، دین و دولت و اخذ تمدن غرب بپردازد. برای فهم بهتر عقاید، اندیشه‌ها و نظرات برلنی‌ها نویسنده چند گفتمان غالب آن دوران در نزد برلنی‌ها را برجسته کرده و اهمیت نوشته‌های آنان را در طرح مسائل و مشکلات جامعه ایران نشان می‌دهد. در اینجا ما نگاهی گذرا به این چهار گفتمان مسلط آن دوران خواهیم افکند.

#### ترقی‌گرایی

برلنی‌ها با تکیه بر داروینیسم اجتماعی و اعتقاد به ایدئولوژی پیشرفت به نوعی خردباوری و جبرگرایی اعتقاد داشتند. آنان به انحطاط دوران قاجار تاختند و با نقد جهان‌بینی قدیم به دفاع از فلسفه‌ی جدید پرداختند.

#### ملت‌گرایی

در این دوران با توجه به اوضاع و احوال بین‌المللی نوعی وطن‌پرستی و ملی‌گرایی در میان ایرانیان رواج یافت. روشنفکران ایرانی به جای وحدت اسلام به وحدت ایران نظر داشتند و معتقد بودند که شناخت «دیگری» در گرو شناخت «خود» است و پیش از آشنا کردن ملت ایران با اجزای دیگر بشریت

## مجله‌ی کاوه در شماره‌های مختلف خود به نقد اوضاع آن دوران پرداخت و درباره‌ی مسائلی چون قدرت، زبان، ملیت طرح‌های تازه‌ای ارائه داد و به برخی از مستشرقان فرصتی داد تا به طرح نظریات خود بپردازند



### سرنوشت برلنی‌ها نمونه‌ای از سرنوشت روشنفکران ایرانی

در صد سال اخیر است.

از آن میان بعضی‌ها

به قدرت نزدیک می‌شوند،

برخی علیه نظام موجود

قیام می‌کنند

و تعدادی به گوشه‌ای می‌خزند

و به معنویات می‌گرایند



#### برلنی‌ها

با تکیه بر داروینیسم اجتماعی

و اعتقاد به ایدئولوژی پیشرفت

به نوعی خردباوری

و جبرگرایی اعتقاد داشتند

باید او را با افراد خود آشنا کرد و آشتی داد و برادر نمود. کاظم‌زاده دو عنصر خاک (ایران‌شهر) و خون (نژاد آریایی) را عناصر سازنده ملت می‌شناسد.

از دیدگاه این روشنفکران عنصر ایرانیت مهم‌تر از اسلامیت است و معتقد بودند که «ما پیش از هر چیز باید ایرانی باشیم و ایرانی نامیده بشویم و ایرانی بمانیم. ایرانیت یک کلمه مقدس و جامعی است که تمام افراد ملت ایران را بدون تفریق مذهب و زبان در زیر شهبه شهادت‌گستر خود جای دهد (ص ۱۷۷) نظریات برلنی‌ها درباره‌ی ایران، تاریخ و زبان آن در دهه‌های بعد صورت رادیکال‌تری به خود گرفت. پاک کردن زبان فارسی در آثار ذبیح بهروز و کسروی یا عرب‌ستیزی محمد مقدم و صادق هدایت و تمجید از ناسیونالیسم دولتی زمان رضاشاه از آن جمله است.

#### دولت‌گرایی و ساختار قدرت

این مقوله نیز از عقاید رایج آن دوران بود که مورد توجه برلنی‌ها قرار گرفت. مجله‌ی کاوه در یکی از شماره‌های خود نوعی گونه‌شناسی از ساختار قدرت به دست می‌دهد (ص ۱۸۱) و چهار طریق برای اداره مملکت را از هم تفکیک می‌کند:

۱. مشروطه ناقص و خراب بد ۳. مشروطه خوب و صحیح ۴. استبداد خوب

برلنی‌ها که متأثر از اوضاع زمانه و وضعیت دنیای غرب و سربرآوردن جباران تازه بودند امید زیادی به استقرار حکومت مشروطه و قانون نداشتند و در انتظار مردی نو بودند تا زمام امور مملکت را به دست گیرد و ایران را از این وضعیت خاص نجات بدهد. آنان به دنبال دیکتاتور روشن‌بینی بودند که دارای دو صفت جدیت و علم بوده باشد. شاید به این دلیل زمانی که رضاشاه به قدرت رسید و به مقابله با دستجات مختلف برخاست و کوشش کرد تا دولتی نوین در ایران برقرار سازد بعضی از برلنی‌ها به چنین حرکتی خوشامد گفتند و با بازگشت به ایران کوشش کردند تا به سهم خود در ساختن ایرانی تازه بکوشند.

#### غرب‌گرایی و اخذ تمدن غرب

در این یک قرن و نیم که از رویارویی و برخورد ایران با جهان غرب می‌گذرد ما شاهد رویکردها و رهیافت‌های مختلفی در ارتباط با تمدن غرب هستیم. مواجهه‌ی ما با جلوه‌ها و مظاهر گوناگون غرب و آگاهی از عقب‌ماندگی کشورمان روشنفکران و اندیشمندان ما را به سوی یافتن پاسخ به علل چنین عقب‌ماندگی کشانده است. عده‌ای راز موفقیت غرب را در قشون و اسلحه و ارتش آن دیدند و با تشکیل مدرسه نظام تلاش کردند تا پاسخ شایسته‌ای به چنین عقب‌ماندگی بدهند. عده‌ای دیگر به این باور رسیدند که سرچشمه‌ی موفقیت غرب حضور نهادهای

سیاسی و وجود قانون است و در نتیجه کوشیدند تا دستاوردهای فلسفه‌ی سیاسی غرب را وارد کرده و قانون و قانون‌گرایی را در ایران گسترش دهند. عده‌ای نیز گمان کردند که راه مقابله با غرب بازگشت به دین و احیای سلف صالح است و در این راه کوشیدند تا با بازگشت به قرآن و تفسیر دوباره‌ی دین امکان رویارویی با غرب را ممکن کنند. در میان روشنفکران ایرانی که در ارتباط با غرب نظریه‌پردازی کرده‌اند نام تقی‌زاده برجستگی خاصی دارد. او بود که برای نخستین بار با صراحت اعلام کرد که «ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود و بس» اگرچه این جمله‌ی تقی‌زاده بارها و بارها تکرار شده است اما به نوشته‌های دیگر او کمتر توجه شده است به‌نام در چند صفحه از کتابش نشان داده است که در نزد او راز موفقیت ایران فقط قبول و ترویج بدون قید و شرط تمدن اروپا نیست بلکه حفظ زبان و ادبیات از یک سو و نشر علوم غربی و تأسیس مدارس نوین از سوی دیگر مهم است. او اگرچه به پیروی از تمدن غرب باور داشت ولی زبان و مذهب را قابل تقلید از غرب نمی‌دانست.

چنین نظریات بی‌پروایی مورد قبول دیگر برلنی‌ها واقع نگردید و کاظم‌زاده به مخالفت با تقلید از غربیان برخاست و جمال‌زاده معتقد شد که به جای خیره‌سری و نبرد و مبارزه با غرب و یا تسلیم صرف به فرنگی‌ها باید با کار و عمل به دفع

تدریجی فرنگی‌ها همت گماشت.

### دین و دولت

برلنی‌ها اگرچه در نیمه‌ی اول قرن بیست زیستند و انقلاب ایران و استقرار حکومت دینی را تجربه نکردند ولی رابطه‌ی دین و دولت در مرکز تأملات و کوشش‌های فکری آنان بود. برخلاف دین‌گرایان و مذهب‌ستیزانی که اصولاً جایی برای دین و اعتقادات و اندیشه دینی قائل نیستند و در برابر افرادی که جهان را تنها از چشم دین می‌بینند، برلنی‌ها در نوشته‌های خود کوشیدند تا مسیرشان را از این دو گروه جدا کنند. آنان در عین اعتقاد به اسلام با خرافات دینی که گریبانگیر مذهب شده بود مخالفت ورزیدند و در نوشته‌های خود بر اصلاح اسلام از طریق گشودن باب اجتهاد در کشورهای اهل تسنن و بهره بردن از امکانات تشیع در وفق دادن دین با زندگی جهان معاصر تأکید کرده و مدافع جدایی دین از سیاست شدند. کاظم‌زاده ایرانشهر در مقاله‌ی دین و دولت با تکیه بر اینکه دین محصول ایمان است و ایمان یک امر وجدانی و یک رابطه‌ی قلبی است که میان بشر و آفریدگار او حاصل می‌شود به سه محور در ارتباط با دین اشاره می‌کند:

۱. تمیز دادن احکام و قوانین دین از خرافات و اوهام
۲. جدا کردن شؤون روحانی از شؤون جهانی، بشری و مدنی
۳. موافقت دادن احکام دین با

مقتضیات و احتیاجات ترقی و تمدن.

این چند سطر گزارشی کوتاه از کتاب برلنی‌های نوشته جمشید بهنام بود. با این که حدود بیش از ۸۰ سال از آن دوران می‌گذرد اما با تأمل در تاریخ ایران می‌توان دریافت که سخنان آنان درباره‌ی مسائل چون غرب، دین و دولت، ملیت و اسلام و ساختار قدرت، هم‌چنان می‌تواند محل تأمل و اندیشه باشد. کشاکش میان تجدد و سنت، ناکامی برنامه‌ی توسعه‌ی آمرانه، بسته بودن نظام سیاسی در دوران گذشته و وجود نهاد دیرپای دین و روحانیت سبب‌ساز حوادث تازه‌ای در ایران شدند. تقدیر تاریخی ما این بود که انقلابی به نام دین در ربع آخر قرن بیستم در کشورمان روی دهد و نظامی اسلامی از دل آن بیرون آید تا در پرتو این تجربه، امکان تأمل دقیق‌تر درباره‌ی مقولاتی چون غرب، نسبت دین و دولت، ایرانیت و اسلامیت پدید آید. در این راستا کوشش‌های برلنی‌ها در سازش دو بعد ایرانی و اسلامی هویت انسان ایرانی اهمیت خاص خود را می‌یابد. البته توجه به برلنی‌ها به معنی پذیرش بعضی از نظریات آنان درباره‌ی استبداد منور، دیکتاتور جدی و عالم و تکیه بر خون آریایی نیست بلکه اهمیت کوشش‌های فکری و طرح‌های نظری آنان است و دریافت این نکته است که مسائلی که جامعه‌ی روشنفکری امروز با آن درگیر است، چه پیشینه‌ی تاریخی دارد.

## تورق

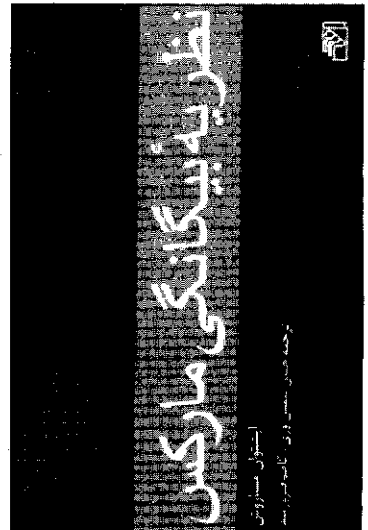
این اثر در سه بخش و مجموعاً ده فصل نظریه‌ی بیگانگی مارکس را به شکل تخصصی مورد مطالعه قرار داده است.

بخش اول با عنوان «خاستگاه‌ها و ساختار نظریه‌ی مارکس» شامل سه فصل است. فصل اول به خاستگاه‌های مفهوم بیگانگی در فرهنگ یهودی - مسیحی و برخی مباحث در این زمینه می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «تکوین نظریه بیگانگی مارکس» به بررسی این موضوع با تمرکز بر رساله‌ی دکتر مارکس و نقد او بر دولت مدرن و مسئله یهود اختصاص یافته است. فصل سوم به بررسی مفهوم بیگانگی نظام فکری مارکس می‌پردازد. بخش دوم این اثر با عنوان «وجوه بیگانگی» شامل چهار فصل است که به ترتیب وجوه اقتصادی، سیاسی، بودشناسی، اخلاقی و

زیبایی‌شناختی نظریه‌ی بیگانگی در اندیشه‌ی مارکس را بررسی کردند.

بخش سوم و پایانی، شامل سه فصل است که با عنوان «دلالت‌های معاصر نظریه‌ی بیگانگی مارکس» تنظیم شده است. در انتها، کتابشناسی و واژه‌نامه‌ی مفیدی نیز ضمیمه شده است.

به نظر می‌رسد برخی از مهم‌ترین مشکلات متون فلسفی ترجمه شده در این ترجمه نیز وجود دارد. اگرچه هنوز واژگان فلسفی جامع که مورد پذیرش اهل فلسفه باشد هنوز در زبان فارسی تدوین نشده است اما مترجمان می‌توانستند معادل‌های فارسی روان‌تری را در ترجمه‌ی برخی اصطلاحات و عبارات به کار برند. اما در مجموع، زحمت آنها قابل تقدیر است. بهزاد باغی دوست



- نظریه‌ی بیگانگی مارکس
- ایستوان ساروش
- حسن شمس‌آوری - کاظم فیروزمند
- نشر مرکز
- ۴۷۱، ۱۲۸۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه